فصلنامهٔ علمی- تخصصی دُر دَری (ادبیات غنایی، عرفانی)
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال سوم، شمارهٔ نهم، زمستان ۱۳۹۲، ص. ۹۱-۸۳

تحلیل بلاغی غزلیّات کمال اسماعیل از منظر تشبیه

شهرزاد نیازی[۱]
سپیده خلیلیان[۲]

چکیده

کمال الدّین اسماعیل اصفهانی ملقّب به خلّاق المعانی از شاعران بزرگ قرن هفتم هجری است. شعر وی به لحاظ زیبایی شناسی مشحون از صورتهای مختلف خیال و صنایع لفظی و معنوی بدیع است.در این پژوهش که به روش تحلیلی – توصیفی انجام گردیده، کوشش شده است انواع تشبیه از نظر ساخت و شکل مانند: تشبیه مرکّب، مضمر، تفضیلی، مفروق، تسویه، ملفوف و جمع و تشبیهات مفصل، مرسل، مؤکّد در غزلیات این شاعر بررسی و تحلیل گردد

تحقیق انجام شده مؤیّد این مطلب است که تشبیهات مجمل و مرسل بیشترین میزان و مرسل مفصل کمترین میزان را دربردارد. همچنین تشبیهات مرکّب بیشترین بسامد و تشبیهات تفضیل و جمع کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. تشبیهات محسوس به محسوس هشتاد و شش غزل از کلّ غزلیّات اورا تشکیل می‌دهد که مضامینی؛ چون: توصیف عناصر طبیعت و توصیف معشوق را در بر دارد و شاعر با کاربرد واژه‌های حماسی رنگ سپاهی به تصویرهای غنایی خود داده است.

کلید واژه ها

کمال اسماعیل، بلاغت، تشبیه، غزلیات.

---

[۱]. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران. (نویسنده مسوول) Niazi_60@yahoo.com
[۲]. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران.s.khaliliya.63@gimail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

مقدّمه

کمال الدّین اسماعیل اصفهانی از قصیده سرایان بزرگ قرن هفتم هجری(۶۳۵-۵۶۸) و از گویندگان بزرگ سبک عراقی است. او فرزند جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی از شاعران نامی ایران است. «البتّه کمال بسیار از پدر خود بلندآوازه‌تر است و بازپسین شاعر بزرگ اصفهانی روزگاران کهن است.» (ریپکا،۱۳۸۲: ۳۹۱)

«کمال الدّین اسماعیل را خلّاق المعانی می‌گویند چه در سخن او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت- که مطالعه رود – ظاهر می‌شود» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۱۱۴-۱۱۳). «او علاوه بر باریک اندیشی و دقّت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقیّد به آوردن ردیف‌های مشکل نیز شهرت دارد» (صفا،۱۳۵۲: ۸۷۴).

«او در وصف تواناست؛ با آنچه که در توصیف نرگس،اسب،آفتاب،کشتی، قصر، پیری و .....سروده دالّ بر استادی اوست. کمال در آوردن صنایع لفظی و معنوی بدیع، برای آرایش کلام، نیرومند و نادره گو و نغزگفتار است.» (رادمنش،۱۳۸۵: ۱۸۱).

مطالعهٔ صور خیال در اشعار شاعران دوره‌های مختلف ادب فارسی اهمّیّت دارد و می‌تواند رهگذری برای دریافت قدرت تخیّل آنها در خلق ظرافت‌های ادبی و خلّاقیّت در اشعارشان باشد. یکی از مباحث صور خیال که حائز اهمّیّت و در کتاب‌های علم بیان دربارهٔ آن بحث شده تشبیه است. در مورد تشبیه در غزلیّات کمال اسماعیل تحقیق جداگانه‌ای صورت نگرفته است تنها عبّاس نیک بخت در مقاله‌ای با عنوان "تشبیه مرکّب در غزل سبک عراقی" به بررسی تشبیه مرکّب در بخشی از غزلیّات کمال اسماعیل پرداخته است.

در این پژوهش ابتدا همهٔ غزلیّاتی که در بردارندهٔ تشبیه بودند یادداشت برداری و پس از آن از نظر ساخت و شکل تشبیه و مضامین آن تجزیه و تحلیل شد ودر خاتمه به شیوهٔ تحلیلی مقایسه‌ای و رسم نمودار و جدول‌های لازم به بررسی تشبیه در غزلیّات کمال اسماعیل پرداخته شده است.

بحث

تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیزی دیگر مانند کردن ودر اصطلاح یعنی مقایسه و کشف و یادآوری شباهت یا شباهت‌هایی بین دو چیز یا دو امر متفاوت. این کشف حاصل دقّت و ذوق و قریحهٔ شاعر یا نویسنده است. (میر صادقی، ۱۳۷۳: ۶۶)

علمای بلاغت برای تشبیه اهمّیّت بسیار قائل بوده‌اند و در بارهٔ جهات و علل اهمّیّت و تأثیر و وظیفهٔ آن سخن‌ها گفته‌اند از قبیل اینکه تشبیه باعث مجسّم کردن و ممثّل ساختن چیزی است که خود غایب است و بطور عادّی ظهوری ندارد یا اینکه چیزی را از آنچه هست در وصفی خاص عظیم‌تر و بزرگ‌تر بنمایاند یا زیباتر ویا اینکه در مجال کوتاه وتنگنای عبارات کم، صفات و خصوصیّات بی‌شماری را در مورد چیزی ثابت کند و از همه مهم‌تر جنبهٔ تخییلی و تصویری تشبیه است که از رهگذر تشبیه می‌توان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حس و تجربهٔ عقلی دور از یکدیگر قرار دارند، در یک موضوع جمع کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۷۳-۷۲)

۱. انواع تشبیه از نظر شکل و ساخت:

تشبیه از نظر ساخت به اقسام مختلفی تقسیم‌بندی شده است که در زیر بر اساس غزلیات کمال الدین اسماعیل تحلیل و بررسی می‌گردد:

نسبت غزلیّات دیوان کمال اسماعیل به کلّ ابیات دیوان ۱۰درصد است. ابتدا تشبیه را از نظر ساخت (مجمل، مرسل، مفصّل، مؤکّد) بررسی می‌کنیم.

تشبیه مجملِ مرسل:

تشبیه مجمل مرسل، تشبیهی است که ادات در آن ذکر شده و وجه شبه درآن نیامده است سبت تشبیه‌های مجمل مرسل به کلّ تشبیهات غزلیّات کمال اسماعیل۴۸/۶ ٪ است. که بیشترین بسامد تشبیه را از این حیث تشکیل می‌دهد. برای نمونه می‌توان به بیت زیر اشاره کرد:

دل چو لاله پیاله باید ساخت ظرف می گر کنیم درخور می

(کمال اسماعیل،۱۳۵۸: ۷۷۱)

شاعر در بیت بالا با آوردن ادات برای دریافت وجه شبه از کاوش ذهن می‌کاهد.

تشبیه مجملِ مؤکّد:

تشبیه مجمل مؤکّد تشبیهی را گویند که در آن ادات تشبیه و وجه شبه حذف است. نسبت تشبیه‌های مجمل مؤکّد به کلّ تشبیه‌های غزلیّات۳۲/۹ ٪ است که تعداد زیادی از آن را تشبیهات بلیغ تشکیل می‌دهند.

حذف ادات، که اندک اندک تشبیه را به استعاره نزدیک می‌کند عاملی است برای موثرتر کردن تشبیه و نیرو بخشیدن به آن؛ زیرا غرض اصلی از تشبیه عینیّت بخشیدن به دو چیز مختلف است و چون ادات حذف شود، عینیّت به صورت محسوس‌تر و دقیق‌تری نمایانده می‌شود (شفیعی کدکنی،۱۳۷۰: ۶۶).

آنکه سرم بر خط فرمان اوست گوی دلم در خم چوگان اوست

(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۱۲)

شـــاخ دندان کوفه که هنوز دی بـــــــرآورد چرا می‌جنبد

(همان:۷۸۲)

شاعر با آوردن تشبیه‌های بلیغ در ابیات فوق مشبّه‌های دل و شکوفه را به مشبّه به‌های گوی و دندان مانند کرده است. او با حذف ادات و وجه شبه مانندگی را بیشتر کرده و ذهن را به تکاپو در آورده است، این حاصل خلاقیّت او در صور خیال است.

تشبیه مرسلِ مفصّل:

تشبیه مرسل مفصّل، تشبیهی را گویند که در آن ادات و وجه شبه آمده است. نسبت تشبیه‌های مرسل مفصّل به کلّ تشبیه‌های غزلیّات ۱۸/۵ ٪است.

راه چو زلفت دراز بود و چو شانه پای شدم جمله و به سر ببریدم

(کمال اسماعیل،۱۳۵۸: ۷۰۶)

چو بیماریست چشم ناتوانش که بر دوشش ز غمزه نیم لنگیست

(همان: ۷۲۴)

اگرچه شاعر با آوردن کلمات همگون مانند: زلف، شانه، چشم و غمزه تناسب زیبایی در بیت برقرار کرده است، با آوردن ادات و وجه شبه ذهن را از تفحّص و تکاپو برای دریافت تشبیه باز می‌دارد.

تشبیهات را از دیدگاهی دیگر به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند که در زیر بر اساس اشعار کمال اسماعیل تحلیل و بررسی می‌شود.

تشبیه مرکّب:

«تشبیه مرکّب، تشبیهی است اَوّ لاً وجه شبه در آن از اموری چند منتزع شده و ثانیاً این وجه شبه همواره تأویلی باشد. نمونهٔ بسیار بارز این نوع تشبیه در قرآن کریم آیه‌ای است که در احوال یهود نازل شده است:مَثَلُ الَذّینَ حُمِلّوا التّورَ ثمَّ لم یَحمِلوهَا

کَمَثَلِ الحِمارِیَحِملُ اَسفَارَا که وجه شبه تأویلی جهل و نادانی از مجموعهٔ اموری همچون «خر»، «اسفار» و «حمل» بی فایدهٔ آن توسّط خر، اخذ شده است.» (جرجانی، ۱۳۶۱: ۵۸-۵۵).

تشبیه مرکّب بیشترین بسامد را از نظر شکل در غزلیّات کمال اسماعیل در بر دارد.

گل سوری به بستان بوتهٔ زر پراز گاورس زرّین زآتش آمد
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۱۹)

گل شکفته چو معشوق شوخ کز عاشق زرقراضه در اطراف پیرهن گیرد
(همان: ۷۱۹)

همچو پیریست شکوفه بر شاخ که به یاریّ عصا می جنبد
(همان: ۷۸۳)

چنان که در ابیات بالا ملاحظه می‌شود خلاقیّت و پیچیدگی‌های ذهنی و تخیّلی شاعر باعث می‌شود که از خلق مضامین تکراری بگذرد و معانی بدیعی را به تصویر کشد. او با ترسیم تابلوهای زیبایی از طبیعت در ذهن خواننده با ابزارصور خیال قدرت تخیّل خود را نشان می‌دهد.

ای رنگ عارض تو، آتش در آب بسته وی چین طرّهٔ تو ، از مشک ناب بسته
(همان: ۷۲۵)

بیت زیر تشبیه مقید به مرکّب است. چنان که دربیت بالا ملاحظه می‌شود یکی از طرفین تشبیه، مرکّب است و دیگری مقید. از تعداد غزلیّاتی که به تشبیه مرکّب آراسته‌اند سه نمونه از آنها در بردارندهٔ تشبیه مقید به مرکّب است که به ذکر یک شاهد از آن بسنده کردیم.

تشبیه مضمر تفضیلی:

چنان که در جدول ذکرکردیم از کلّ غزلیّات کمال اسماعیل چهار غزل تشبیه مضمر تفضیلی را در بر دارد.

صاحب حدائق‌السّحر تشبیه مضمر را این گونه تعریف کرده است: «این صنعت چنان باشد که شاعررا چیزی را به چیزی تشبیه می‌کند امّا به ظاهر چنان نماید که مقصود من چیزی دیگرست نه این تشبیه و در ضمیر خود این تشبیه بود» (وطواط، ۱۳۶۲: ۴۹).

و نیز در تعریف تشبیه تفضیل می‌گوید: «این صنعت چنان باشد که شاعر چیزی را به چیزی مانند ه کند باز از آن برگردد و مشبّه را بر مشبّه به ترجیح و تفضیل نهد» (همان: ۵۰).

با قامتش از سرو خرامنده چه آید؟ با عارض او سوسن و گلنار چه باشد؟
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۲۶)

سرو ار همی برد نماز قامت تورا آن فرض عین دان که اقامت همی کند
(همان: ۷۵۱)

در ظاهر، بیت اوّل مقصود شاعر اظهار تعجّب است از سرو و سوسن و گلنار امّا درحقیقت قامت و عارض یار خود را به سرو و سوسن و گلنار تشبیه کرده است.و آنها را بر مشبّه به‌ها ترجیح می‌دهد.

در بیت دوّم مقصود شاعر تعظیم کردن سرو بر قامت معشوق است امّا در حقیقت قامت یار را به سرو مانند کرده است وآن را برتر از سرو می‌داند. چنان که دیده شد آمیختگی دو تشبیه مضمر و تفضیل حاصل ذهن خلّاق شاعر است.

تشبیه مفروق:

تشبیه مفروق تشبیهی را گویند که تعدّد آن در مشبّه و مشبّه به است. به صورتی که هر مشبّه در کنار مشبّه به خود می‌آید. چنان که ملاحظه شد از ۱۶۰غزل دیوان کمال اسماعیل سه غزل تشبیه مفروق را دربر می‌گیرد.

زلف چون چوگان دارند و زنخدان چون گوی پس زما عاریت این هر دو چرا می‌خواهند
(همان: ۷۰۹)

چو ابروی تو پیوسته بلایی چو زلفین تو در هم بسته کاری
(همان: ۷۶۸)

شاعر با آوردن تشبیه مفروق در ابیات بالا زلفین و زنخدان معشوق را در کنار مشبّه به‌های خود(گوی و زلف) وی ابروی پیوستهٔ یار و زلفین در هم بستهٔ او را جداگانه در کنار مشبّه به‌های خود (بلا –کار) قرار می‌دهدو به غنای موسیقی شعر خود می‌افزاید.

تشبیه تسویه:

تشبیه تسویه را تشبیه مزدوج نیز می‌نامند. همایی می‌گوید: «در کتاب ترجمان البلاغه این نوع تشبیه را به نام تشبیه مزدوج آورده و این طور تعریف کرده است که یک صفت از صفات خود ویکی از صفات مقصود را به یک چیز تشبیه کنند. در حدائق السّحر عین تعریف ترجمان البلاغه را تحت عنوان تشبیه تسویه آورده و از اینجا استنباط می‌شود که تشبیه تسویه با مزدوج یکی است» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۵۵).

رخ و زلفت از شگرفی صفت بهار دارد خنک آن سرو قدّی، چو تو در کنار دارد
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۸۴)

تشبیه تسویه تعدّدش در تعداد مشبّه است. این امر باعث شده است که شاعر در ابیات بالا چند مشبّه را به یک مشبّه به مانند کند. رخ و زلف معشوق را به زیبایی بهار تشبیه می‌کند، در ضمن آنکه آرزوی خوشبختی برای کسی می‌کند که یار سرو قدّی چون او در کنار خود دارد.

تشبیه ملفوف:

تشبیه ملفوف تشبیهی را گویند که تعدّد آن همانند تشبیه مفروق در مشبه و مشبّه به است. به صورتی که مشبّه‌ها در یک سو و مشبّه به‌ها در طرفی دیگر قرار می‌گیرند. از تعداد غزلیّات دیوان شاعر تشبیه ملفوف چهار غزل از آن را بر می‌گیرد.

با چنین چشم و روی و لب که تو راست با گل و نرگس و سمن بزنی
(همان: ۷۳۶)

وصف رخ و زلف تو به تعریض چون سنبل و نسترن بگویم
(همان: ۷۴۸)

شاعر با آوردن زنجیرهٔ کلمات هم گون به عنوان مشبّه و مشبّه به معشوق خود را توصیف می‌کند. اگرچه در بیت اوّل همانند بیت دوّم نظم و ترتیبی بین مشبّه به‌ها برقرار نیست، ذهن خلّاقانهٔ او خواننده را به تکاپو وا می‌دارد تا به وجود تشبیه ملفوف پی ببرد.

تشبیه مضمر:

چنان که ملاحظه شد از ۱۶۰ غزل دیوان کمال اسماعیل ، تشبیه مضمر سه غزل از آن را در بر می گیرد. اکنون در این بخش به مثال هایی از این تشبیه اشاره می‌کنیم:

زلفش بگرفتم به ستم گفت که بگذار با دزد در آویخته بگزار چه باشد
(همان: ۷۲۶)

لب لعل دل فریبت، ز گهر حدیث داند سر زلف مشک بارت، ز بنفشه بار دارد
(همان: ۷۸۵)

در بیت اول زلف به دزد تشبیه شده و در بیت دوم زلف به بنفشه مانند شده است.

تشبیه تفضیلی:

تشبیه تفضیل دو غزل از کلّ غزلیّات دیوان شاعر را تشکیل می‌دهد .چنان که تعریف آن در بخش‌های قبل گذشت در اینجا به مثال‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

گمان برد که چو قدّ نگار من باشد به آنکه سرو همه تن نگار در بندد
(همان:۶۹۶)

چو روی خوب تو خورشید آسمان هم نیست به قدّ و قامت تو سرو بوستان هم نیست
(همان: ۷۱۵)

شاعر ابتدا قدّ نگار وروی معشوق خود ر ا به سرو و خورشید تشبیه می‌کند. سپس از سخن خود عدول می‌کند و قامت و رخسار معشوق خود را بر سرو و خورشید ترجیح می‌دهد.

تشبیه جمع:

چنان که دیده شد تشبیه جمع دو غزل از کلّ غزلیّات دیوان کمال را در بر می‌گیرد. تعدّد این تشبیه در مشبّه به است. شاعر یک مشبّه را در مقابل چند مشبّه به می‌آورد.

هم آتشست چهرهٔ او هم بهشت نقد گشتست روشنم که قیامت همی کند
(همان: ۷۵۱)

میست آن لب چون لعل و من ز آتش عشق همه تن آب شوم تا به می بر آمیزم
(همان: ۷۶۹)

تشبیه جمع، عکس تشبیه تسویه است. شاعر چهرهٔ یار خود را به زیبایی بهشت و روشنایی آتش و لب او را به سرخی می و لعل گلگون مانند کرده است. شاعر علاوه بر تشبیه، کلام خود را به صنایع لفظی چون تناسب و واج آرایی آراسته است و به غنای موسیقی شعر خود افزوده است، امّا با کاربرد تشبیه جمع و تشبیه بلیغ قدرت تخیّل خود را نشان می‌دهد و شعر خود را دلنشین‌تر می‌کند.

جدول انواع تشبیه از لحاظ شکل

نوع تشبیه	مرکّب	مضمر تفضیلی	مفروق	تسویه	ملفوف	مضمر	تفضیلی	جمع
تعداد کل غزلیّات	۱۵	۴	۴	۴	۳	۳	۲	۲
۱۶۰								

۲. تشبیهات حسی و عقلی:

محمود فتوحی می‌گوید: «عادّی‌ترین و ساده‌ترین صورت خیالی، تشبیه است، بویژه تشبیه یک شئ حسّی به یک شئ حسّی دیگر که در پایین‌ترین سطح ادراک حسّی قرار دارد رابطهٔ میان دو امر حسّی در تصویر، یک رابطهٔ منطقی و محسوس است. این نوع تصویر، موجودات خارجی و واقعیّات حسّی را تجسّم می‌بخشد و عقل به آسانی آن را درک می‌کند؛ زیرا محصول معرفت حسّی است.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۳).

از ۱۶۰ غزل دیوان کمال اسماعیل هشتاد و شش غزل تشبیهات محسوس به محسوس را در بر می‌گیرد که مضامین این گونه تشبیه‌ها را در غزلیّات شاعر می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

توصیف معشوق:

شاعر گاهی با کاربرد واژگانی؛ چون: خط، خال، صراحی و می مضامین غنایی را چاشنی شعر خود می‌کند:

خط و رخسارش تو پنداری کسی غالیه در برگ سوسن می زند
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۱۱)

شاعر در بیت بالا خط و رخسار معشوق را در مقابل غالیه و سوسن قرار می‌دهد و مضامین غنایی را با کمک تشبیه ملفوف و مرکّب در شعر خود به کار می‌برد. او تابلوی زیبایی از معشوق را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند. خطّ پشت لب معشوق را به سیاهی غالیه و رخسارش را به لطافت برگ سوسن مانند می‌کند. شاعر گاهی اندام معشوق خود را با عنصر تشبیه توصیف می‌کند و تصاویر بدیعی را در ذهن خواننده می‌آفریند و به غنای شعر خود می‌افزاید.

تا زنخدان تو چاه یوسفست جان ما زنجیر دار زلف توست
(همان: ۷۲۱)

کمال اسماعیل، در بیت بالا چنان که ملاحظه می‌شود با کاربرد تلمیح و تشبیه قدرت تخیّل خود را در همانندی برآمدگی زیر چانهٔ معشوق را به چاه نشان می‌دهد. در جدول زیر نمونه‌ای از واژه‌هایی که مشبه و مشبه به واقع شده، آمده است:

مشبّه	مشبّه به
رخ	برگ سوسن، قمر، خورشید، نسترن، گل، بهار، آینه، صراحی، آتش، بهشت، آفتاب، شمع
چشم	شمع، عبهر
لب	شکر، می، لعل، سمن
زلف	بنفشه، دزد، سنبل، بهار، چوگان، مار، زنجیر، کمند، مشک
زنخدان	گوی، چاه
دندان	دُر
دل	لاله،آ تش
قد	سرو

توصیف عناصر طبیعت:

کمال اسماعیل گاهی در غز ل خود عناصر طبیعت مانند: گل، لاله، شکوفه ونسیم را با صورت‌های خیالی زیبایی در ذهن خواننده به تصویر می‌کشد:

نسیم افتان و خیزان چو مست عربده جوی به باغ در جهد و جیب نسترن گیرد
(همان: ۷۱۹)

اگرچه شاعر با آوردن ادات و وجه شبه ذهن خواننده را برای دریافت تشبیه از کاوش باز می‌دارد، تصویر زیبایی از انسان مست را که افتان و خیزان راه می‌رود، درذهن می‌آفریند و نسیم را به آن مانند می‌کند. در جدول زیر نمونه‌ای از عناصر طبیعت که مشبه و مشبه به قرار گرفته، دیده می‌شود.

جدول مشبه به‌های عناصر طبیعت در غزلیّات کمال اسماعیل

مشبّه	مشبّه به
لاله	خورشید،جام،چراغ
شکوفه	دندان
خاک	سمند
گل	ماه ،جراغ
نسیم	مست

۳. رنگ سپاهی تصویرهای غنایی:

شفیعی کدکنی می‌گوید: «شعر فارسی، بویژه نوع غنایی آن، از نظر تصاویر خاصّ معشوق، در همهٔ ادوار، تا روزگار ما، با سپاه و زندگی سپاهی پیوندی ناگسستنی دارد. از قرن پنجم نمونه‌های آشکاری از تأثیر سپاهیان و ابزارهای سپاهی در تصاویر شعر غنایی فارسی دیده می‌شود و این خصوصیّت همچنان ادامه دارد و در دوره‌های بعد، بی آنکه عامل اصلی و منشأ آن به طور عمومی وجود داشته باشد باز هم بر اثر به وجود آمدن نوعی سنّت شعری و تصویرهای کلیشه‌ای، رنگ این گونه تصاویرهمچنان بر جای خود باقی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰۴).

یکی از نشانه‌های مضامین غنایی در شعرکمال اسماعیل کاربرد واژه‌های حماسی است که آنها را چاشنی غزل خود می‌کند و صورت‌های خیالی زیبایی از معشوق در ذهن خواننده، نقش می‌بندد. در دو بیت زیر او ابروان نگار خود را به کمان و غمزه و زبان گزندهٔ معشوقش را به تیر خدنگ تشبیه می‌کند.

دو ابروی تو بر شکل کمانیست که هر غمزه در او تیر خدنگیست
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۲۵)

که کمندعنبرین را ز دو سوی حلقه کردست که خدنگ های مشکین چو زبان مار دارد
(همان: ۷۸۵)

جدول اصطلاحات حماسی در غزلیّات دیوان کمال اسماعیل

مشبّه	ابرو	غمزه	غمزه	زلف	زبان مار
مشبّه به	کمان	تیر خدنگ	تیغ	کمند	خدنگ

٤. تشبیه و ردیف:

ردیف از عناصر سازنده موسیقی بیرونی است که بعد از قافیه تکمیل کننده موسیقی شعر است. گاه در برخی غزلیات ردیف جنبه بلاغی نیز می‌یابد و به عنوان یکی از عناصر صور خیال خودنمایی می‌کند. شفیعی کدکنی این نکته را یادآور شده است که: «ردیف، همچنان که از یک سوی گوینده را در تنگنای انتخاب کلمات قرار می‌دهد، برای شاعری که قدرت تخیّل و نیروی ساختن تصویر و تداعی معانی تازه داشته باشد، روزنه‌ای است برای خلق خیال‌های بدیع و تصویرهای تازه.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۲۶) در غزل شمارهٔ ۱۵۶ با مطلع

گشت آشکار راز دلم بر زبان اشک از چشم خلق از آن بفتادم بسان اشک
(کمال اسماعیل، ۱۳۵۸: ۷۹۲)

شاعر خود را به اشک مانند می‌کند و در ابیات دیگر نمایشگاهی از تشبیه‌های بلیغ را به تصویر می‌کشد.

بر دو ختست چشم من از خواب تا کشید در تار سوزن مژه از ریسمان اشک
زآنگه که گشت سینهٔ من منزل غمت می نگسلد زدامن من کاروان اشک
صفراویست رنگ رخان در فراق او از بهرآن همی دهمش ناردان اشک
(همان)

او ردیف را در خدمت تشبیه آورده است و صورت‌های خیالی زیبایی را در ذهن می آفریند. وی ردیف را مشبّه قرار داده و آن را به ریسما ن، کاروان و ناردان تشبیه می‌کند.او با حذف ادات و وجه شبه، تلاش ذهن را برای یافتن تشبیه بیشتر می‌کند.

نتیجه گیری

از بررسی تشبیه در غزلیّات کمال اسماعیل نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. بررسی تشبیه از نظر ساخت نشان می‌دهد که شاعر در غزلیّاتش با حذف وجه شبه از تشبیهات خود کاوش ذهن را برای یافتن آن بیشتر می‌کند و این حاصل ذهن خلّاق و مبتکر اوست.

۲. شاعر با کاربرد انواع تشبیه خلّاقیّت و ابتکار خود را در خلق تصاویر نشان می‌دهد و معانی بدیعی را درذهن می‌آفریند. او با استفادهٔ زیاد از تشبیهات مرکّب قدرت تخیّل خود را به خواننده نشان می‌دهد و تابلوی زیبایی در ذهن او ترسیم می‌کند. شاعر با کاربرد تشبیهات مضمر در شعر خود تشبیه را پنهان می‌کند و ذهن خواننده را برای کاوش آن به تکاپو می‌اندازد. شاعر با به کار بردن تشبیه تفضیل چیزی را به چیزی مانند می‌کند و سپس از گفتهٔخود بر می‌گردد. گاهی با آمیختن این دو تشبیه نهایت ابتکار و خلاقیّت خود را به تصویر می کشد. وی با آوردن تشبیه‌های ملفوف، مفروق، تسویه و جمع تعدّد تشبیه را در مشبّه و مشبّه به نشان می‌دهد و تصاویر خیالی زیبایی را به ذهن متبادر می‌کند.

۳. بسامد تشبیهات محسوس به محسوس در غز لیّات کمال اسماعیل زیاد است. او با کاربرد این گونه تشبیهات در غزل خود توصیف عناصر طبیعت و توصیف معشوق را چاشنی شعر خود می‌کند. غزلیّات شاعر با استفاده از واژگان حماسی مضامین غنایی را در بر می‌گیرد.

٤. شاعر گاهی ردیف را در خدمت تشبیه قرار داده است و غیرا از استفاده از موسیقی بیرونی ردیف با قرار دادن ردیف به عنوان مشبه بر زیبایی شعر خود افزوده است.

منابع

۱. برهان، محمّد حسین بن خلف تبریزی، (۱۳۶۲)، **برهان قاطع**، به اهتمام محمّد معین، تهران: امیر کبیر، چ. پنجم

۲. جرجانی،عبدالقاهر، (۱۳۶۱)، **اسرار البلاغه** ،ترجمهٔ جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، چ. اوّل.

۳. دولتشاه سمرقندی،(۱۳۶۶)، **تذکره الشّعرا**، به تصحیح محمّد رمضانی، تهران: پدیده، چ. دوّم.

۴. رادمنش،عطا محمّد، (۱۳۸۵)، «کمال جمالِ اصفهانی»، **نقش اصفهان، دورهٔ**، ص ۱۷۳-۱۹۱.

۵. رشید الدّین وطواط، (۱۳۶۲)، **حدائق السّحر**، به تصحیح عبّاس اقبال، تهران: کتابخانهٔ طهوری.

۶. ریپکا ،یان، (۱۳۸۳)، **تاریخ ادبیّات ایران**، ترجمهٔ ابوالقاسم سرّی، ج۱، تهران: سخن.

۷. شفیعی کدکنی، محمّد ضا، (۱۳۷۰)، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه، چ. چهارم.

۸. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، **سبک شناسی شعر**،تهران: فردوس.

۹. صفا،ذبیح اللّه ،(۱۳۵۲)، **تاریخ ادبیّات در ایران**، تهران: ابن سینا، چ. ششم.

۱۰. غیاث الدّین محمّد رامپوری، (۱۳۷۵)، **غیاث اللّغات**، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر،چ. دوم.

۱۱. فتوحی،محمود، (۱۳۸۹)، **بلاغت تصویر**، تهران: سخن، چ. دوّم.

۱۲. کمال الدّین اسماعیل اصفهانی، (۱۳۴۸)، **دیوان**، تصحیح حسین بحرالعلومی،تهران: کتاب فروشی دهخدا.

۱۳. میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۳)، **واژه نامهٔ هنر شعری**، تهران: کتاب مهناز.